

عیسی شما را می بیند.

یوحنا ۹ ، ۱-۷



وقتی از محلی می‌گذشت، کور مادرزادی را دید 2. شاگردانش از او پرسیدند: «ای استاد، به علت گناه چه کسی بود که این مرد، نابینا به دنیا آمد؟ خود او گناهکار بود یا والدینش؟»

3 عیسی جواب داد: «نه از گناه خودش بود و نه از والدینش، بلکه تا در وجود او کارهای خدا آشکار گردد 4. تا وقتی روز است، باید کارهای فرستنده خود را به انجام برسانیم. وقتی شب می‌آید کسی نمی‌تواند کار کند 5. تا وقتی در جهان هستم، نور جهانم 6. وقتی این را گفت آب دهان به زمین انداخت و با آن گل ساخت و گل را به چشمان کور مالید 7 و به او گفت: «برو و در حوض سیلوحا (یعنی فرستاده) چشمهای خود را بشوی.» پس رفت و شست و با چشمان باز برگشت.

من راجع به شفا دهنده کورها این فکر را می‌کردم که این بهترین داستان انجیل هست. احتمال داره هم همین طور باشه چون دیدن خیلی مهم هست و دیدن برای ما از ابتدا تا زمان مرگ خیلی مهم است، و این چشمها از ابتدا تا انتها به ما خدمت می‌کند و به کمک چشم‌ها ما تصاویر را می‌بینیم. مثل رنگهای قشنگ پاییز یا تولد یک بچه و این تصاویر به صورت حافظه در ما می‌ماند و حتی در هنگام بستن چشم هم این تصاویر را می‌توان به صورت الیوم عکس دید. ولی این تجربه برای نابینایی چطور می‌تواند باشد. کسی که هیچ وقت آنچنین تصویری را نداشته، همه این کار را نمی‌تواند انجام دهد. او از جمعت محروم شده است. در زمان عیسی به هیچ وجه امیدی نبود که کور مادرزاد بتواند دوباره ببیند. بنابراین هیچ امیدی نبود که او بتواند دوباره بخشی از جامعه شود. تنها سوالی که باقی مانده این بود که چرا چنین سرنوشتی برای او پیش آمد. و این همان چیزی بود که شگردادش به عیسی مسیح مطرح می‌کردند. "چه کسی مقصر است؟" آنها می‌خواستند بدانند. همان شاگردان دارای چشم و همه اندام دارند. بنابراین آنها خیال کردند که حق دارند به قضاوت گناه و بی‌گناهی بودند. آنها حتی تمام وسایل را برای شناختن همه چیزهای در مورد خدا و انتقال آن را به دیگران دارند. اما آنها هیچ چیزی ندونستند! آنها کسانی بودند که واقعاً کور بودند. آنها همه چیز را دارند اما کندذهن کننده بودند. آنها مهمترین چیز را فراموش کرده اند و فقط چشم به چیزهای ریز می‌کنند که تمام روز با آنها سر و کار دارند. آنها، به اصطلاح، ابزار خدا بودند اما مدتهاست که هیچ ارتباطی با خدا نداشتند. و دقیقاً به همین دلیل بود که عیسی آمد. او آمده بود که ما و این مرد نابینا را به سوی خدا سوق دهد. برای اینکه این نابینا توسط عیسی شفا یابد، باید سه چیز اتفاق بیفتد:

نکته اول این است که عیسی انسان نابینا را می‌بیند.

دوم این که عیسی نابینا را شخصاً می‌شست!

سوم این است که مرد نابینا خودش را در حوضچه سیلوحا می‌شست

عیسی می بیند! بله ، مسیح بدبختی این مرد را دید. و او نه تنها آن را دید ، بلکه به معنای آن نیز پی برد. امروز چقدر مهم است که به خودمان اطمینان دهیم که عیسی می بیند! در ابتدا هنوز برای نابینایان مشخص نبود که عیسی او را دید. مهمتر از همه ، او نمی دانست چه کار این عیسی می تواند انجام داد. بنابراین این مرد نابینا مانند افرادی مدرن بود که امروز زندگی می کنند. در بسیاری از شرایط اضطراری که پیدا می کنیم ، فکر می کنیم که خدا ما را نمی بیند یا ما را فراموش کرده است. اما این درست نیست! ما فقط نمی توانیم عیسی یا خدا را ببینیم. ما نمی توانیم آن را ببینیم زیرا کور هستیم. عیسی آمد تا این نابینایی را از ما بگیرد. و چون عیسی ما را می بیند ، ما نیز می توانیم ببینیم! بسیاری از ما دارای تجربه دارند چگونه از تاریکی به نور حرکت کردند. بسیاری در دنیایی رشد کردند که هرگز کتاب مقدس ندیده اید. همچنین با یک مسیح در قرآن آشنا می شوید که اصلاً نمی خواهد ما را به خدا سوق دهد. برعکس ، کسی که نزدیک بودن به خدای متعال اعلام کند حتی به کفر آمیز شمرده بودند و ممکن به طرز ظالمانه ای مورد آزار و اذیت قرار گیرد یا حتی کشته شود. به طور کلی به نظر می رسد که خدا فقط با قوانین سختگیرانه ، قتل و مرگ همراه بود. بنابراین نمی توانستید خدا و پدر عزیزی را که خود را از طریق عیسی مسیح نازل کرده تصور کردید. در آن شرایط نمی توانستید خدا را ببینید! شما مانند یک فرد نابینا بودید که چیزی را از بینا درک می کردید ، اما هنوز هم هیچ چیزی را درک نکرده اید. و بعد؟ عیسی آمد. عیسی شما را دید! بله ، پس از آن اتفاق افتاد که انجیل شنیدید و خواندید. شما همچنین می توانستید مراسم را جشن بگیرید و می توانستید مسیح را بشناسید! او ، چقدر شگفت انگیز است که ناگهان تصویر پروردگار ما عیسی مسیح را به وضوح جلوی چشمان ما نقاشی شود. مثل این است که خورشید بعد از یک روز تاریک ناگهان به ما خندید! اما نه تنها افرادی که از ایران یا سایر کشورهای اسلامی می آیند این راه را از تاریکی به نور می دانند. هر مسیحی نیز این راه را می دانند. زیرا همه ما از بدو تولد ، از نظر روحانی کورکورانی هستیم. لازم نیست در ایران زندگی کرده باشید تا بدانید که کارهای شیطان در اندام ما نیز فعال کند. ما همچنین نمی توانیم همه چیزهایی را که با نور و هستی خدا مرتبط است ببینیم. ما نابینا به دنیا آمدیم. هر یک از ما تجربه های شخصی با آن داشته ایم. یکی در گناه گرفتار شد ... و هرچه بیشتر سعی کرد از آن خارج شود ، بدتر می شود. یکی دیگر اصلاً نمی توانست به خدا ایمان داشته باشد. سوال آن افراد این بود: "چگونه می توانم به خدایی باور کنم که نمی توانم ببینم؟" این دانش خدا به طور طبیعی برای ما پیش نمی آید! مارتین لوتر این موضوع را در توضیح مقاله سوم توضیح می دهد:

« من ایمان دارم که من با خرد و یا با قدرت خود نمی توانم به عیسی خدای من ، ایمان داشته باشم و یا به سوی او بروم بلکه این روح القدس بوده که من را از طریق کلام خدا فرا خوانده»

به همین دلیل است که شفا بخشی این شخص از انجیل ما بسیار شگفت انگیز است. زیرا در شرایطی که همه تصور می کردند که او ناامید بود ، خورشید در زندگی او طلوع می کرد. چیزهایی که او قبلاً فقط از طریق گوشها شنیده می شد به شکل ، نور و درخشش داده می شد! و همه این کار به وضوح می آید. به خاطر اینکه مسیح این شخص را دید! و عیسی فقط این شخص را ندید. او شخصاً نزد او می رود و آنچه لازم بود را انجام داد: و در این حالت این است که او تف و خیس زمین را در چشمها لکه دار می کند. "او گیت!" مطمئناً ، بسیاری افراد اکنون خواهند گفت ... ما باید چنین داستانی را در شرایط کرونا بشنویم ، البته این امر نه تنها هر قاعده را می شکند ، بلکه بسیار قیر بهداشتی است. و با این حال این عمل پروردگار ما عیسی مسیح فوق العاده است و دقیقاً مطابق اراده و برنامه اوست! ما باید دقیقتر می بینیم: وقتی خدا دنیا را آفرید ، زمین خیس را در دست گرفت و انسان را با دستان خود شخصاً شکل داد. و در اینجا عیسی نیز همین کار را انجام می داد. عیسی بدن خود را با ما انسانها به اشتراک می گذارد! به رغم عیسی خدای ماست، او کل هویت انسانی که دارد را اشکار کرد! اما فقط انسانی نیست. قدرت خدای دارد. وقتی یکشنبه ها به سمت عشاء ربانی می رویم ، عیسی بدن و خون خود را با ما به اشتراک می گذارد. ما از نظر جسمی با عیسی در ارتباط هستیم. و درست مانند اولین خلقت ، زندگی در ما دمیده می شود.

یک مورد سوم برای افرادی نابینا اتفاق می افتد: عیسی او را فرمود: . باید به حوضچه **Siloah** بروید و چشمان خود را بشوید. ما چیزی در مورد راه او به حوضچه نمی شنویم. او احتمالاً شک یا حتی بی ایمانی داشته بود. شاید تعجب کرده باشد که کل این موضوع چه معنایی داشت. و با این حال او رفت. این کارش به معنی ایمان است. به کلام خدا گوش دهید و به آنجا بروید که خدا فرمود. حتی اگر اصلاً معنی نداشته باشد. و سپس معجزه بزرگ اتفاق می افتد: این شخص هرگز نتوانست دید و ناگهان و کاملاً غیرمنتظره تاریکی خود فرو رفت و همه چیز را بسیار روشن می کرد. چه اتفاقی می افتد در هنگامی که او به طور ناگهانی آب ، آسمان آبی ، پرندگان ، مردم و معبد شگفت انگیز را دید؟ اما معجزه بسیار بزرگتر این بود که او نه تنها از نابینایی جسمی ، بلکه از کوری معنوی نیز شفا یافت. و در آنجا این یک نمونه از شفا بخش برای ما است. امروز از خود می پرسیم ، چگونه می توان دوباره نور ایمان در قلب ما می درخشید؟ فقط می تواند این باشد که ما به درخشش نور

عیسی قدم بگذاریم تا او ما را روشن کند. مرد نابینا نحوه انجام این کار را به ما نشان می دهد. وقتی دید که عیسی نور را داد، نگاهش را عقب کرد. او می خواست بار دیگر در مقابل عیسی بایستد. این بار باید به او ایمان آورد. عیسی از او پرسید: "آیا شما به پسر انسان ایمان دارید؟" "پروردگار من اعتقاد دارم" او پاسخ داد. این اولین اعتراف مسیحی بود ... و با این اعتراف دست بسیاری از مسیحیان به دست می آید. گله های فرشتگان نیز آن را درک می کنند و با شادی آواز می خوانند. ما نیز متعلق به این افراد هستیم. ما با این مرد نابینا در برابر خداوند عیسی زانو می زنیم. ما حتی آن را دوباره و دوباره انجام می دهیم. همچنین در اینجا در مراسم و سپس با افرادی که این کار را در سراسر جهان انجام می دهند دست تکان می دهیم. در ایران ، همچنین در افغانستان و بسیاری از کشورهای دیگر. "در گذشته ما فقط از خدایی وحشیانه می دانستیم که ما را محروم و شکنجه می کند." اما اکنون می توانیم اعتراف کنیم "عیسی خداست" "عیسی برای ما بر روی صلیب درگذشت" "از طریق او می توانیم زندگی کنیم" به همه اعتراف کن ... "پروردگار من اعتقاد دارم" و او را عبادت کنیم در ایمان و پرستش پروردگار ناگهان همه چیز روشن می کند ... چشمان ما باز می شود و ما بهشت را تجربه می کنیم ، اینجا روی زمین ما باید دوباره این بهبودی نابینایان را به خاطر بسپاریم. با بهبودی کور ، عیسی نشان می دهد که نمی خواهد کوری معنوی باشیم. او خود را در راه انسانها قرار می دهد و ما را می بیند. و سپس با قرار دادن بزاق خود بر روی چشمان مان شخصاً به ما نور می بخشد. و بعد عیسی ما را می فرستد! ما از حرف او دنبال می کنیم. عیسی نور را می آورد. او هنوز هم امروز این کار را می کند. به همین دلیل ما امروز اینجا هستیم. به همین دلیل است که ما کلام خدا را در دستان خود داریم و می توانیم امروز بدن و خون عیسی را بگیریم. اتفاق شگفت انگیز دوباره اتفاق می افتد. در جایی که قبلاً تاریک و نامشخص بود ، ناگهان نور روز فرو می رود. ما قادر خواهیم بود دوباره ببینیم و دوباره امید و آینده داشته باشیم. و فرشتگان آمین خواهند خواند. آمین